



« کي از موضوعاتي که حتماً لازم است من عرض بکنم، مسئله ي آزاداند شي است که در بعضي از صحبت هاي آقا ان بود. چرا ان کرسی هاي آزاداند شي در قم تشک ل نمی شود؟ چه اشکالي دارد؟ حوزه هاي علمه ي ما، هم شه مرکز و مهد آزاداند شي علمي بوده و هنوز که هنوز است، ما افتخار می کن م و نظ ر ش را ندار م در حوزه هاي درسي غ ر حوزه ي علمه ي ما، که شاگرد پاي درس به استاد اشکال کند، پرخاش کند و استاد از او استشمام دشمني و غرض و مرض نکند. طلبه آزادانه اشکال می کند، ه چ ملاحظه ي استاد را هم نمی کند. استاد هم مطلقاً از ان رنج نمی برد و ناراحت نمی شود؛ ان خ لي چ ز مهمي است. خوب، ان مال حوزه ي ما است. در حوزه هاي علمه ي ما، بزرگاني وجود داشته اند که هم در فقه ساقه ها و مناهج گوناگوني را می پ مودند، هم در برخي از مسائل اصولي تر؛ ف لسوف بود، عارف بود، فقه بود، ان نها در کنار هم زندگي می کردند، با هم کار می کردند؛ سابقه ي حوزه هاي ما ان جور ي است. کي، تک مبناي علمي داشت، د گري آن را قبول نداشت. اگر شرح حال بزرگان و علما را نگاه کن م، از ان قبل مشاهده می کن م. مرحوم صاحب حدائق با مرحوم وح د بهبهاني، نقطه ي مقابل هر دو در کربلا زندگي می کردند؛ معاصر، مباحثه هم می کردند با هم. تک شب در حرم مطهر س دالمشهدا (سلام الله عل ه) ان نها سر تک مسئله اي شروع کردند بحث کردن، تا اذان صبح ان دو نفر روحاني ان ستاده - حالما وح د بهبهاني آنوقت نسبتاً جوان بوده، اما صاحب حدائق پ رمرد ي هم بوده - بحث کردند! مباحثه هم می کردند با هم، مناظره هم می کردند، اما هر دو هم بودند، هر دو هم درس می گفتند. من شن دم که شاگردان وح د - که وح د تعصب شد دي علا ه اخبار ي ها داشت - مثل صاحب ر اض و بعضي د گراز شاگردان وح د، می رفتند درس صاحب حدائق هم شرکت می کردند! انجوري بود؛ ما تحمل را در حوزه با د بالما ببر م. خوب، کي مشرب فلسفي دارد، کي مشرب عرفاني دارد، کي مشرب فقهاتي دارد، ممکن است همد گر را هم قبول نداشته باشند. من چند ماه پ ش از ان، در مشهد گفتم که مرحوم آ ش خ مجتبي قزو ني (رضوان الله تعالی عل ه) مشرب ضد بت با فلسفه ي حکمت متعلا ه، مشرب ملاصدرا، داشت ان شان شد م، در ان جهت خ لي غلط بود - امام (رضوان الله عل ه) چک ده و زبده ي مکتب ملاصدراست؛ نه فقط در زمه نهي فلسفي اش، در زمه نهي عرفاني هم هم ن جور است. خوب، مرحوم آ ش خ مجتبي نه فقط امام را قبول داشت، از امام ترو ج می کرد تا وقتي زنده بود. ترو ج هم از امام کرد؛ ان شان بلند شد از مشهد آمد قم، د دن امام. مرحوم آه رزا جواد آقاي تهراني در مشهد جزو برگز دگان و زبندگان همان مکتب بود، اما ان شان جبهه رفت. با تقس ر حمد امام که در تلو ز ون پخش می شد، مخالف بودند؛ به خود من گفتند؛ هم ان شان، هم مرحوم آقاي مروار م، اما حما بت می کردند. از لحاظ مشرب و ممشا مخالف، اما از لحاظ تعامل س اسي، اجتماعي، رفاقتي، با هم مأنوس؛ همد گر را تحمل می کردند. در قم با د انجوري باشد. تک نفي نظر فقهي می دهد، نظر شادي است. خ لي خوب، قبول ندار م، کرسی نظر ه پردازی تشک ل بشود و مباحثه بشود؛ پنج نفر، ده نفر فاضل پ ان د ان نظر فقهي را رد کنند با استدلال اشکال ندارد. نظر فلسفي آي داده می شود

هم نجور، نظر معارفی و کلامی ای داده می شود هم نجور. مسئله ی تکف و رومی و ابن حنفی را با سنی از حوزه و رانداخته آن هم در داخل حوزه نسبت به علمای برجسته و بزرگ ک گوشه ای از حرفشان با نظر بنده ی حق ر مخالف است، بنده دهن باز کنم رومی کنم نمی شود ا نجوری، ابن را با د از خود داخل طلبه ها شروع کند. ابن ک چ زی است که جز از طریق خود طلبه ها و تشکیلات کرسی های مباحثه و مناظره و همان نهضت آزاد فکری و آزاداندیشی که عرض کردیم، ممکن نیست. ابن را عرف کند در حوزه ی علمیه؛ در مجلات، در نوشته ها گفته شود. ک حرف فقهی ک نفر می زند، ک نفر رساله ای بنویسد در رد او؛ کسی او را قبول ندارد، رساله ای در رد او بنویسد. بنویسد، اشکال ندارد؛ با هم بحث علمی بکنند بحث علمی به نظر من خوب است»

از سخنان مقام معظم رهبری در جمع فضلا و علمای حوزه علمیه قم (8/9/1386)